

The Application of Neofunctionalism Theory in the Normalization and Convergence of Relations between Arabs and Israel

Ashkan Golafshan  *

P.H.D Candidate of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, Golafshan13744@Gmail.Com

Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi

Professor, Department of International Relations, Faculty of Law and Political Sciences, Allameh Tabatabai University, Tehran, Iran, dehghani@atu.ac.ir

Abstract

Purpose: During the last few decades, despite the existence of deep ideological differences and wide conflict of interests between Arab countries and Israel, the expansion of the process of convergence and normalization of relations between the parties under the influence of regional developments has been more significant than other regional relations. This research aims to analyze issues and campaigns related to the normalization of relations and emergence of convergence between Arab countries and Israel according to the assumptions of neo-functionalism theory

Method: In this research, the qualitative method and explanatory approach are used, and the data analysis is based on the explanation of the causal relationship between the variables. For this purpose, to collect information from primary and secondary sources, including domestic and foreign documents, books and authentic articles, internet searches, specialized treatises, etc has been used

Findings: In recent decades, the occurrence of some events such as the significant increase in common threats, the creation of Sunni-Salafi groups, the emergence of new leaders and decision-makers, and the weakening of Arab-Islamic transnational identities have provided conditions for the process of normalization of relations and convergence between Arab countries and Israel. Follow up with more seriousness, speed and formality. Based on this, the convergence between Arabs and Israel was investigated in the form of three phases of functional expansion, political and related to transnational institutions. According to the investigations and considering the extent and background of conflicts and ideological differences between Arabs and Israel, the relations between the parties have enjoyed favorable growth and the process of convergence is influenced by the key concepts of neo-functionalism theory, including the logic of extension, politicization and extroversion. created and evolved.

Conclusion: The results of the research indicate that the emergence of common threats along with external pressures and politicization, especially the step-by-step spread at the political, functional and institutional levels, have provided the necessary grounds for convergence and strengthening the process of normalizing relations between Arabs and Israel.

Keywords: Neofunctionalism, Convergence, Normalization, Arabs, Israel.

Article type: Research

* Received on 4 September, 2024 Accepted on 17 November, 2024

Cite this article: Golafshan & Dehghani Firouzabadi (2025) The Application of Neofunctionalism Theory in the Normalization and Convergence of Relations between Arabs and Israel, Spring 2025, Vol.14, NO.1, 27-53.

DOI: 10.30479/psiw.2025.20882.3359

© The Author(s).



Publisher: Imam Khomeini International University.

Corresponding Author: Ashkan Golafshan (Golafshan13744@Gmail.Com)

کاربست نظریه نوکارکردگرایی در فرایند عادی‌سازی روابط و ایجاد همگرایی میان اعراب و اسرائیل

اشکان گل افشان* ID

دانشجوی دکتری علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Golafshan13744@gmail.com
سیدجلال دهقانی فیروزآبادی
استاد گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.
dehghani@atu.ac.ir

چکیده

هدف: طی چند دهه‌ی اخیر ضمن وجود اختلافات عمیق ایدئولوژیک و تراحم منافع گسترده بین کشورهای عربی و اسرائیل، گسترش فرایند همگرایی و عادی‌سازی روابط بین طرفین تحت تأثیر تحولات منطقه‌ای، بیش از دیگر مناسبات منطقه‌ای قابل توجه بوده است. این پژوهش درصدد تحلیل مسائل و پویای‌های مربوط به عادی‌سازی روابط و بروز همگرایی بین کشورهای عربی و اسرائیل مطابق مفروضات نظریه نوکارکردگرایی است.

روش: در این پژوهش از روش کیفی و رویکرد تبیینی استفاده شده، و تجزیه و تحلیل داده‌ها بر تبیین رابطه علی بین متغیرها استوار است. بدین‌منظور برای گردآوری اطلاعات از منابع اولیه و ثانویه مشتمل بر اسناد، کتاب‌ها و مقالات معتبر داخلی و خارجی، جست‌وجو در شبکه‌های اینترنتی، رساله‌های تخصصی و... استفاده شده است.

یافته‌ها: طی دهه‌های اخیر بروز برخی وقایع مانند افزایش چشمگیر تهدیدات مشترک، ایجاد گروه‌های سنی-سلفی، ظهور رهبران و تصمیم‌سازان جدید و تضعیف هویت‌های فراملی عربی-اسلامی شرایطی را فراهم نموده تا روند عادی‌سازی روابط و همگرایی بین کشورهای عربی و اسرائیل با جدیت، سرعت و رسمیت بیشتری پیگیری شود. بر این اساس همگرایی میان اعراب و اسرائیل در قالب سه فاز تسری کارکردی، سیاسی و مربوط به نهادهای فراملی مورد بررسی قرار گرفت. مطابق بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به گستردگی و پیشینه درگیری‌ها و اختلافات ایدئولوژیک بین اعراب و اسرائیل، روابط میان طرفین از رشد مطلوبی برخوردار بوده و فرایند همگرایی تحت تأثیر مفاهیم کلیدی نظریه نوکارکردگرایی ازجمله منطق تسری، سیاسی‌شدن و برون‌گرایی ایجاد و تکامل یافته است.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که بروز تهدیدات مشترک در کنار فشارهای بیرونی و سیاسی شدن بویژه تسری گام به گام در سطوح سیاسی، کارکردی و نهادی زمینه‌های لازم برای بروز همگرایی و تقویت فرایند عادی‌سازی روابط میان اعراب و اسرائیل را فراهم ساخته است.

واژگان کلیدی: نوکارکردگرایی، همگرایی، عادی‌سازی، اعراب، اسرائیل.

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۳/۰۸/۲۷

استناد: گل افشان و دهقانی فیروزآبادی (۱۴۰۴)، کاربست نظریه نوکارکردگرایی در فرایند عادی‌سازی روابط و ایجاد

همگرایی میان اعراب و اسرائیل، بهار ۱۴۰۴، دوره ۱۴، شماره ۱، پیاپی ۵۳-۲۷.



ناشر: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) حق مؤلف ©

مقدمه

همزمان با پایان جنگ جهانی دوم و افزایش بازیگران سیاسی در منطقه خاورمیانه چالش‌های جدیدی در مناسبات منطقه‌ای شکل گرفت؛ در نتیجه علاوه بر تأثیر محیط پیرامونی بروز تراحمات درونی مناسبات سیاسی و امنیتی منطقه را دگرگون ساخت. در این راستا تشکیل رژیم صهیونیستی به دلیل حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای از جمله مهم‌ترین چالش‌های منطقه خاورمیانه تلقی می‌شود که دیگر روابط و مناسبات منطقه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است. پس از چندین دهه تنش آغاز علنی روند عادی‌سازی روابط و ایجاد همگرایی بین اعراب و اسرائیل موضوعی است که به‌عنوان یک مسئله مهم و اثرگذار بر دیگر مناسبات منطقه‌ای مطرح است. شکل‌گیری روند مذکور همزمان با عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و مصر در سال ۱۹۷۹ سپس گسترش و تسری آن به کشورهای اردن، سازمان آزادی‌بخش، فلسطین، سودان، عمان، بحرین و امارات چشم‌انداز بهبود همگرایی منطقه‌ای بین اعراب و اسرائیل در منطقه خاورمیانه را تقویت کرده است.

همگرایی منطقه‌ای از جمله مهمترین پدیده‌های بین‌المللی به شمار می‌آید که همواره در مباحث نظری مربوط به روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای مجموعه‌ای از ادبیات نظری را شامل شده است. در این رابطه نظریاتی مثل فدرالیسم، کارکردگرایی، نوکارکردگرایی، نظریه ارتباطات، نواقع‌گرایی، نهادگرایی، تنولیرال، بین حکومت‌گرایی، تنولیرال و... از جمله مهم‌ترین نظریاتی هستند که در پی تشریح چگونگی همگرایی منطقه‌ای بوده‌اند. نوکارکردگرایی یکی از مهم‌ترین دستاوردهای نظری در روابط بین‌الملل است که بسیاری از محققان اقدام به کاربست آن در مطالعات همگرایی منطقه‌ای کرده‌اند. مطابق مبانی اصلی این رویکرد نظری، بهترین راه تحقق همگرایی منطقه‌ای همکاری تدریجی در حوزه‌هایی است که مسئله حاکمیت ملی به آن حساسیت کمتری دارد و در نتیجه زمانی که فرایند همگرایی آغاز شد نوعی نهاد فراملی منطقه‌ای تشکیل شده حکومت‌های ملی کنترل خود را به روند مذکور از دست می‌دهد و همگرایی روند تکاملی خود را می‌پیماید. مطابق این نظریه تداوم توسعه و تکامل روند همگرایی منطقه‌ای براساس سه فرضیه منطقی تسری، سیاسی شدن، برون‌گرایی توضیح داده می‌شود. بر این اساس در این مقاله با تأکید کلیدی بر مفاهیم تسری، سیاسی شدن و برون‌گرایی همگرایی و روند عادی‌سازی مناسبات بین اعراب و اسرائیل را مورد بررسی و تحلیل قرار خواهیم داد. بنابراین هدف این مقاله به کارگیری نظریه نوکارکردگرایی برای تجزیه و تحلیل فرایند شکل‌گیری و تحول فرایند همگرایی و عادی‌سازی روابط بین اعراب و اسرائیل است؛ به عبارت دیگر در این مقاله تلاش می‌شود تا براساس مفروضات و فرضیه‌های نظریه نوکارکردگرایی مهم‌ترین علل و عوامل تعیین‌کننده در بروز همگرایی میان اعراب و اسرائیل تبیین شود؛ بنابراین هدف تشریح ساختار، سازوکار و چگونگی تکوین، تحول و تکامل همگرایی و عادی‌سازی روابط میان اعراب و اسرائیل از منظر نظریه نوکارکردگرایی است. بر همین اساس در این مقاله این پرسش مطرح می‌شود که

نوکارکردگرایی چگونه قادر به توضیح و توسعه مطالعات همگرایی در روابط میان اعراب و اسرائیل است؟ در پاسخ به این پرسش این فرضیه مطرح می‌شود که فرایند همگرایی میان اعراب و اسرائیل تحت تأثیر مفاهیم کلیدی نظریه نوکارکردگرایی از جمله منطق تسری، سیاسی‌شدن و برون‌گرایی شکل گرفته و تحول و تکامل یافته است. در این پژوهش از روش کیفی استفاده شده، و تجزیه و تحلیل داده‌های آن بر تبیین رابطه علی بین متغیرها استوار است. بدین‌منظور برای گردآوری اطلاعات از منابع اولیه و ثانویه مشتمل بر اسناد، کتاب‌ها و مقالات معتبر داخلی و خارجی، جست‌وجو در شبکه‌های اینترنتی، رساله‌های تخصصی و... استفاده شده است.

۱-پیشینه پژوهش

تاکنون کتاب‌ها و مقالات متعددی درخصوص مناقشه اعراب و اسرائیل به زبان‌های مختلف به رشته تحریر درآمده است؛ اما مسئله همگرایی و عادی‌سازی روابط میان اعراب و اسرائیل علی‌رغم اهمیتی که دارد، آنچنان که باید مورد توجه قرار نگرفته است. مرور پیشینه پژوهشی مربوط به این مسئله نشان می‌دهد که بیشتر منابع کلیدی درباره این موضوع ایده اصلی خود را بر محوریت تأثیر شرایط سیستمی نظام بین‌الملل و منطقه بر فرایند عادی‌سازی، پویایی‌های ساختاری مربوط به رقابت راهبردی میان قدرت‌های فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای و تأثیر آن بر فرایند عادی‌سازی، اثرگذاری فرایند عادی‌سازی بر محیط امنیتی منطقه خاورمیانه و... بنا نهاده‌اند. به منظور ارزیابی دقیق منابع و فهم کاستی‌ها و خلاءها، آثار مرتبط با این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرند:

آوی شلایم^۱ (۲۰۱۴) در کتاب «دیوار آهنین: اسرائیل و جهان عرب»، تحولات سیاسی-دیپلماتیک و همین‌طور چالش‌های روابط بین اسرائیل و جهان عرب را طی چند دهه گذشته واکاوی می‌کند. او بر این باور است که گرچه دولت اسرائیل طی سال‌های گذشته دستاوردهای بزرگی داشته است، مناقشه این کشور با فلسطینی‌ها و در مقیاس بزرگتر با جهان عرب همچنان بر تاریخ این کشور سنگینی می‌کند. نویسنده در این کتاب، چگونگی تأثیر تغییرات در نگرش برخورد با اعراب از موضع اسرائیل را مورد بررسی قرار می‌دهد.

محمدرضا ملکی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب» با استفاده از نظریه نواقع‌گرایی، ضمن بیان تاریخی از روابط پرفراز و نشیب اعراب، اسرائیل و همچنین طرح صلح ترامپ و کشورهای ملحق‌شده به آن، به این نتیجه می‌رسد که گرچه این توافق موجب کاهش تنش در منطقه و افزایش امنیت اسرائیل می‌شود به حل نهایی مناقشه اسرائیل و فلسطین کمکی نخواهد کرد.

1. Avi Shlaim

فرزانه دشتی (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل (۲۰۲۰-۲۰۱۱)» به این پرسش اساسی می‌پردازد که چرا اسرائیل و کشورهای عربی، به‌رغم اختلافات، به عادی‌سازی روابط پرداخته‌اند؟ در پاسخ به این پرسش نویسنده تأکید می‌کند دولت‌های عربی با توجه به وجود منافع و تهدیدات مشترک به عادی‌سازی روابط روی آورده‌اند و تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با محوریت منافع ملی و تلاش دونالد ترامپ اقدام به عادی‌سازی روابط با یکدیگر کرده‌اند و به منظور تأمین بهتر منافع ملی خود به سمت همکاری پیش رفته‌اند.

مختار زیبایی (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «پیامدهای فرایند عادی‌سازی اعراب و اسرائیل بر محیط امنیتی ج.ا. ایران (۲۰۲۱-۲۰۱۰)» ضمن اشاره به توسعه مناسبات اعراب و اسرائیل به اهداف این مناسبات و همچنین پیامدهای آن بر ج.ا. ایران پرداخته است.

بررسی پیشینه پژوهش این موضوع نشان می‌دهد گرچه پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام شده است، اکثر نویسندگان به شکلی محدود مانند روابط عربستان و اسرائیل یا به‌صورت کلی مثل رابطه اعراب و اسرائیل به موضوع پرداخته‌اند و در آثار مذکور، کاربست عناصر و دقایق نظریه نوکارکردگرایی در موضوعات گسترده‌ای همچون بروز همگرایی و عادی‌سازی روابط میان طرفین مورد سنجش و بررسی قرار نگرفته است؛ بنابراین این مقاله روابط اعراب و اسرائیل را با استفاده از چهارچوب نظری تخصصی مرتبط با پژوهش و نگاهی جامع، مورد بررسی قرار داده است.

۲- چهارچوب نظری

نظریه نوکارکردگرایی سنتز و تلفیقی از فدرالیسم و کارکردگرایی است؛ بنابراین شامل اصول و ویژگی‌های این دو رهیافت نظری است. فدرالیسم یک اتحادیه سیاسی فراملی را به عنوان نقطه پایان و هدف نهایی همگرایی در نظریه نوکارکردگرایی معرفی می‌کند و کارکردگرایی از سوی دیگر نظریه حدواسطی است که در صدد ترکیب و تلفیق مفروض‌های این دو رهیافت فکری با به‌کارگیری روش و شیوه کارکردی در جهت تأمین اهداف فدرالی است. ارنست هاس برای نخستین بار نظریه نوکارکردگرایی را به طور منظم و منسجم براساس تجربه جامعه زغال و فولاد اروپا و سپس جامعه اقتصادی اروپا پردازش کرد. هدف نظریه نوکارکردگرایی آنگونه که هاس بیان می‌کند ارائه یک نظریه سیاسی است که علاوه بر شناخت و تبیین فرایند همگرایی منطقه‌ای در اروپا در حوزه‌های اقتصادی و سیاسی قادر به درک و توضیح همگرایی منطقه‌ای و همکاری‌های بین‌المللی نیز باشد. نوکارکردگرایی در توضیح فرایند همگرایی منطقه‌ای بر عوامل و عناصر اقتصادی، اجتماعی و تکنولوژیک تأکید می‌کند که تغییر و تحولات سیاسی مبنی بر همگرایی را به بار می‌آورد (مشیرزاده، ۱۳۹۱: ۶۱).

اساسی‌ترین تز نوکارکردگرایی این اندیشه است که سطوح مختلف تماس‌های اقتصادی و اجتماعی بین حکومت‌ها به تنهایی می‌تواند تغییرات سیاسی مهمی در جهت همگرایی ایجاد کند و زمانی که فرایند همگرایی آغاز، و نوعی نهاد فراملی منطقه‌ای تشکیل شد حکومت‌های ملی کنترل خود بر آن را از دست می‌دهند و همگرایی روند تکاملی خود را می‌پیماید (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۹۶). تداوم توسعه و تکامل همگرایی منطقه‌ای براساس سه فرضیه منطق تسری^۱، سیاسی‌شدن^۲ و برون‌گرایی توضیح داده می‌شود.

مفروض بنیادی و محوری نوکارکردگرایی مفهوم تسری است که از طریق آن حرکت‌ها و اقدامات اولیه در جهت همگرایی اقتصادی سازوکارهای درون‌زاد اقتصادی و سیاسی را باعث می‌شود که به سهم خود همگرایی بیشتر در حوزه‌های موضوعی مرتبط را برمی‌انگیزاند. سیاسی‌شدن به عنوان دومین فرضیه نظریه نوکارکردگرایی به معنای فرایندی است که از طریق آن مجادله و مناظره در مورد تصمیم‌گیری مشترک افزایش می‌یابد و به توسعه و افزایش تعداد شرکت‌کنندگان علاقه‌مند و فعال در فرایند همگرایی منطقه‌ای می‌انجامد که بازتعریف اهداف و مقاصد اولیه متقابل، انتظارات و وفاداری بازیگران سیاسی به سوی نهادهای فراملی منطقه‌ای را به بار می‌آورد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۹۶).

فرضیه دیگری که نظریه نوکارکردگرایی بر آن تأکید دارد، برون‌گرایی است. اشمیتر معتقد است که انگیزه‌های همگرایی در داخل جامعه موجب بروز تبعیض نسبت به دیگر بازیگرانی که در خارج از جامعه قرار گرفته‌اند، می‌شود. در نتیجه آنها که خارج از جامعه قرار دارند ممکن است از یکی از دو طریق تشکیل اتحادیه منطقه‌ای یا پیوستن به اتحادیه حاضر از خود عکس‌العمل نشان دهند. در هر دو حالت بر احتمال همکاری گسترده در بین اعضا در منطقه افزوده می‌شود (سیف‌زاده، ۱۳۷۳: ۲۴۶).

ارزیابی نوکارکردگراییانه از همگرایی اعراب و اسرائیل بر منطق درونی همگرایی استوار است؛ به عبارت دیگر این همگرایی از همکاری پیشین طرفین در حوزه‌های اقتصادی سرچشمه می‌گیرد و این منطق درون‌گرا به مرور زمان وارد فاز برون‌گرایی شده است. در چهارچوب نظریه نوکارکردگرایی می‌توان به سیاست همگرایی و عادی‌سازی روابط اعراب با اسرائیل به مثابه یک حلقه گرانشی نگرست که رژیم صهیونیستی در مرکز آن قرار گرفته است و کشورهای عربی بنا به اراده نخبگان سیاسی و ظرفیت‌های درونی به سمت آن حرکت می‌کنند. فرایند همگرایی اعراب و اسرائیل، دو سرعتی است که کشورهای مثل مصر، اردن، عمان، سودان، بحرین و امارات در گروه پرسرعت‌ها قرار گرفته‌اند و علاقه‌مند به نزدیکی بیشتر هستند. در این نوشته فرضیه‌های مختلف مربوط به نظریه نوکارکردگرایی را در همگرایی میان اعراب و اسرائیل بررسی می‌کنیم.

1. Spillover
2. Politicization

۳- مفاهیم، سطوح و زمینه‌های درونی عادی‌سازی روابط بین اعراب و اسرائیل

اصطلاح عادی‌سازی مربوط به مطالعات صلح است. هر چند زبان دانشگاهی تمایز روشنی بین صلح و عادی‌سازی قائل نشده است؛ اما واضح است که عادی‌سازی مربوط به جوامع و کشورهایی است که در وضعیت پس از مناقشه یا پس از دستیابی به یک توافق قرار دارند. سیر تحول عادی‌سازی در چهارچوب روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی نشان‌دهنده سه مدل عادی‌سازی در روابط طرفین است که هرکدام مجموعه‌ای از ویژگی‌های خاص خود را دارند (Podeh, 2022, 56).

۳-۱. عادی‌سازی غیررسمی

این نوع عادی‌سازی شامل روابط دوجانبه عمدتاً مخفی بدون روابط دیپلماتیک است. در این مورد فقدان روابط دیپلماتیک مانع توسعه روابط با وجود مناقشات نیست. این مدل در دوران قبل از برقراری روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و چند کشور جهان عرب وجود داشته است و شامل طیف گسترده‌ای از روابط اسرائیل و کشورهای خاورمیانه می‌شود؛ زیرا اسرائیل بین کشورهای منطقه خاورمیانه به صورت رسمی و علنی فقط با ترکیه در سال ۱۹۴۹ روابط دیپلماتیک برقرار ساخته است. هرچند قبل از انقلاب ۱۹۷۹ ایران با این کشور نیز روابطی داشت اما کاملاً پنهان بود و وزارت خارجه طرفین از فعالیت‌های مرتبط مستثنا بودند و همگی در پشت صحنه بین سازمان‌های اطلاعاتی و نظامی صورت می‌گرفت. این نوع عادی‌سازی بین ایران و اسرائیل شامل همکاری نظامی و اطلاعاتی علیه دشمنان مشترک عمدتاً مصر و ناصریسم، کمک‌های کشاورزی اسرائیل و تجارت دوجانبه بود. برای ایران، اسرائیل پیوند مهمی با ایالات متحده بود؛ زیرا این باور وجود داشت که قدرت لابی یهودی در کنگره می‌تواند به ایران در طیف وسیعی از حوزه‌های نظامی و غیرنظامی کمک کند. در این رابطه شاه ایران به واسطه پیامدهای منطقه‌ای بر این موضع تأکید داشت که روابطش با اسرائیل محرمانه بماند (Itzhakov, 2019, 280).

این نوع از عادی‌سازی در رابطه با طیف وسیعی از کشورهای عربی منطقه نیز صدق می‌کند. کشور اردن هرچند تا زمان امضای توافقنامه صلح در سال ۱۹۹۴ رابطه دیپلماتیک با اسرائیل نداشت؛ اما در پشت صحنه بین طرفین همکاری‌های گسترده‌ای وجود داشته است. این همکاری در زمان حکومت ملک حسین ۱۹۹۹-۱۹۵۳ تقویت شد و از دهه دوم سلطنتش حداقل پنجاه بار با تصمیم‌گیرندگان ارشد اسرائیل در دوره پیش از صلح دیدار کرده است. به غیر از مشارکت اردن در جنگ ۱۹۶۷ دو کشور گفت‌وگوهای مداومی را در مورد مسائل امنیتی در امتداد مرزها، تقسیم آب و... انجام داده‌اند. در اوایل سال ۱۹۷۰ اسرائیل نقش مهمی در بقای پادشاهی اردن در جریان حوادث سپتامبر سیاه ایفا کرد و قبل از جنگ یوم کیپور در ۱۹۷۳ ملک حسین به اسرائیل سفر کرد تا در مورد احتمال وقوع جنگ هشدار دهد. این نوع عادی‌سازی شامل طیف وسیعی از روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل می‌شود و اسرائیل به دلیل نگرانی از کشف و افشای

اطلاعات و محکومیت رژیم‌ها و تأثیر منفی بر مشروعیت و ثبات آنها به این نوع عادی‌سازی و به همکاری پنهانی تمایل بیشتری داشته است (Podeh, 2022, 290-356).

۳-۲. عادی‌سازی رسمی عملکردی

این عادی‌سازی در رابطه با کشورهای عربی و اسرائیل عمدتاً مبتنی بر وجود منافع و دشمنان مشترک است و عمدتاً به دلیل ترس از برخوردهای عمومی ناشی از روابط دیپلماتیک در پشت صحنه رخ می‌دهد. این مدل در زمینه‌های امنیتی، اطلاعاتی و اقتصادی اجرا می‌شود؛ اما رژیم عادی‌سازی را در سطح مردمی و فرهنگی دنبال نمی‌کند و با سازمان‌های جامعه مدنی که اسرائیل را تحریم می‌کنند نه تنها مقابله نمی‌کند بلکه گاهی همکاری می‌کند و ممکن است کمیته‌های مختلفی برای مخالفت با عادی‌سازی ایجاد کنند. به دلیل عدم مشروعیت مردمی برای صلح این عادی‌سازی در روابط دوجانبه فراز و نشیب‌هایی را تجربه می‌کند که ناشی از تأثیر حوادث در سطح داخلی و منطقه‌ای است و درگیری و تنش‌های بین اسرائیل و فلسطینی‌ها ممکن است روابط را برای مدت کوتاهی سرد کند. از سوی دیگر تشدید تهدیدات مشترک و پیشرفت در روند سیاسی با فلسطینی‌ها به تقویت همکاری منجر خواهد شد. روابط اسرائیل با مصر، اردن، سودان، توافقنامه صلح کوتاه مدت با لبنان ۸۴-۱۹۸۳، روابط دیپلماتیک موجود با مراکش، تونس، قطر، عمان و موریتانی در دهه ۱۹۹۰ نمونه‌های این نوع عادی‌سازی است (Podeh, 2022, 63).

۳-۳. عادی‌سازی قانونی یا کامل

این نوع عادی‌سازی شامل همکاری در سطوح دولتی و عمومی به صورت آشکار و علنی است. هرچند در این زمینه مقاومت‌هایی وجود دارد، جامعه مدنی از ابتکارات صورت گرفته حمایت می‌کند و عوامل مؤثر در ایجاد جامعه‌پذیری مثل رسانه‌ها و آموزش فرایند عادی‌سازی را ترویج و مشروعیت می‌بخشند. این نوع عادی‌سازی در کشورهای حاشیه خلیج فارس مثل امارات و بحرین که جمعیت کم و جامعه مدنی ضعیف‌تری دارند، نمود بیشتری دارد. همچنین روابط اسرائیل پس از صلح اسلو با تشکیلات خودگردان فلسطین و مراکش در قالب این نوع عادی‌سازی نمود پیدا می‌کند (Podeh, 2022, 63). در این زمینه فهم و ذهنیت تصمیم‌گیرندگان و نخبگان سیاسی کشورهای عربی یکی از مهم‌ترین عواملی است که نحوه تصمیمات کشورها به سمت فرایندهای مسالمت‌آمیز را هدایت می‌کند. طی سالیان اخیر با تغییر حکام عرب و پس از ناآرامی‌های دهه ۲۰۱۰ کشورهای عربی با هدف فرار از مشکلات داخلی، جلب حمایت اسرائیل و آمریکا و استحکام جایگاه داخلی خود تا حدود زیادی به تعدیل سیاست تهاجمی خود نسبت به اسرائیل اقدام کرده‌اند و به دنبال برقراری روابط نزدیک با رژیم صهیونیستی بوده‌اند تا در مواقع لزوم از حمایت آنها بهره‌مند شوند. در این راستا محمد بن سلمان ولیعهد سعودی سعی دارد از طریق

عادی‌سازی روابط با اسرائیل حمایت‌کننده آمریکا و لابی‌های پرنفوذ صهیونیستی در آمریکا، اروپا و دیگر کشورها را به دست آورد (دشتی، ۱۴۰۲: ۹۵).

۴- تسری و نقش عوامل بیرونی و بین‌المللی در روند عادی‌سازی روابط بین اعراب و اسرائیل

نقش عوامل بیرونی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی طی سالیان اخیر محرکی قوی برای عادی‌سازی روابط بین اعراب و اسرائیل فراهم ساخته است و دولت‌های عربی منطقه برای تحقق موازنه قدرت در سطح منطقه، کسب حمایت قدرت‌های فرامنطقه‌ای و ایجاد موازنه تهدید با کشورهای متخاصم منطقه، تغییراتی اساسی در سیاست خارجی خود منظور کرده‌اند. سرنگونی برخی حکومت‌های اقتدارگرای منطقه و سیاست غیرشفاف آمریکا در حمایت از آنها شرایطی در منطقه ایجاد کرده است که کشورهای منطقه را به کنشگری فعالانه وادار کرده تا از این طریق برای تضمین بقا و افزایش ثبات و پایداری خود نسبت به تهدیدات مشترک ایجاد موازنه کنند؛ بنابراین از دیدگاه کشورهای عربی خاورمیانه، اسرائیل به دلیل توانمندی‌های اقتصادی، نظامی، دفاع از منافع حیاتی منطقه و برخورداری از روابط نزدیک با ایالات متحده قادر خواهد بود در راستای پیشبرد منافع کشورهای عربی و ایجاد موازنه تهدید، مؤثر واقع شود. مجموعه‌ای از عوامل که به تقویت تمایل کشورهای عربی برای همگرایی و عادی‌سازی روابط با اسرائیل منجر شده است، شامل موارد ذیل است:

۴-۱. افزایش چشمگیر تهدیدات مشترک

یکی از مهمترین عوامل بروز انقلاب آرام در عادی‌سازی روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل مربوط به ظهور و تشدید تهدیدات مشترک و توانایی اسرائیل در مقابله با آن در شرایط فقدان جایگزین‌های مناسب است که باعث پیشرفت همکاری‌های استراتژیک بین طرفین شده است. ازجمله تأثیرگذارترین مؤلفه در شکل‌گیری این همکاری متقابل مربوط به احساس اشتراک در تهدیدات مربوط به ایران است؛ زیرا از یک طرف ایران رژیم اسرائیل را نامشروع می‌داند و از طریق متحدان و مخالفان رژیم صهیونیستی از حملات علیه اسرائیل حمایت می‌کند و از سوی دیگر رژیم‌های عرب منطقه با گرایش‌های سنی مذهب همواره رژیم شیعی ایران را تهدیدی جدی علیه خود می‌دانند و فعالیت‌های منطقه‌ای ایران به‌ویژه توانمندی‌های نظامی و نفوذ منطقه‌ای آن را در جهت مخالف منافع خود دانسته‌اند. برای رژیم صهیونیستی علاوه بر خطر دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای، مقیاس و نزدیکی تهدیدانش در لبنان، سوریه، عراق و یمن افزایش یافته است و از منظر رژیم‌های عربی تنش‌های موجود در کشورهای عربی به درگیری‌های گروه‌های تحت حمایت ایران برمی‌گردد. در این راستا در ۲۱ مه ۲۰۰۸ با امضای توافق دوحه و پایان بحران سیاسی در لبنان جریان مخالف به سرپرستی حزب‌الله و حمایت ایران برخلاف منافع کشورهای

سنی و عربی به قدرت رسیدند و در عراق نیز ایران موقعیت خود را پس از خروج آمریکا در سال ۲۰۱۱ تقویت کرده است. علاوه بر این قیام‌های عربی فضای سیاسی - امنیتی منطقه را بیشتر دستخوش تغییر کرده به گونه‌ای که به مداخلات نظامی برخی کشورهای عربی منجر شده، و در پی جنگ داخلی در سوریه نفوذ سیاسی و حضور نظامی ایران افزایش یافته است. پیش از وقوع تحولات مذکور توسعه رسمی روابط کشورهای عربی منطقه و اسرائیل قبل از حل و فصل مناقشه اسرائیل - فلسطین منتفی بود؛ اما تحت تأثیر حوادث دهه ۲۰۱۰ ایران بیش از مسئله فلسطین توسط کشورهای منطقه از اهمیت برخوردار شد و در این راستا توانایی و انگیزه اسرائیل برای مقابله با تهدیدات ایران در تغییر سیاست کشورهای عربی منطقه نسبت به اسرائیل اهمیت بیشتری یافت. در این زمینه طی جنگ یمن و حمله موشکی متحدان ایران به خاک عربستان همکاری‌های عربستان سعودی و اسرائیل در زمینه‌های اطلاعاتی و قابلیت‌های استراتژیک که برخی از آنها توسط اسرائیل تأمین می‌شد، تقویت شده است. در این راستا توانمندی‌های نظامی اسرائیل و فقدان جایگزین مناسب برای کشورهای عربی در اتخاذ این رویکرد تأثیر مهمی داشته است. علاوه بر این انفعال ایالات متحده به مسائل مهمی مثل پیشرفت برنامه هسته‌ای ایران، سرنگونی حکومت حسنی مبارک در مصر، توافق هسته‌ای ایالات متحده با ایران برنامه جامع اقدام مشترک و... در ایجاد منافع مشترک بین کشورهای عربی و اسرائیل مؤثر بوده است (Rynhold, 2019, 3).

۴-۲. ظهور گروه‌های سنی - سلفی مثل داعش و اخوان المسلمین

دومین عاملی که اسرائیل و کشورهای عربی را به هم نزدیک‌تر ساخت، ظهور گروه‌های سنی - سلفی مانند داعش و اخوان المسلمین بود که در پی حوادث دهه ۲۰۱۰ توسط ترکیه و قطر حمایت می‌شدند. ظهور داعش و گسترش نفوذ اخوان المسلمین به‌ویژه در انقلاب مصر و سرنگونی مبارک، اسرائیل و برخی کشورهای عربی را از داشتن یک متحد قدرتمند محروم کرد و در شرایطی که در سال ۲۰۱۴ حکومت عربستان اخوان المسلمین را به عنوان یک گروه تروریستی اعلام کرده بود، جایگزین هم‌پیمان قدیمی آن در مصر شد و باعث افزایش تهدید مشترک اسرائیل و عربستان سعودی شد (Rynhold, 2019, 3).

۴-۳. ظهور رهبران و تصمیم سازان جدید

طی دهه ۲۰۱۰ ظهور محمد بن سلمان به عنوان ولیعهد عربستان سعودی و دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده در کنار تمایل بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی به گسترش تعاملات با کشورهای عربی و خروج از انزوای منطقه‌ای در تقویت همگرایی و عادی سازی روابط بین کشورهای عربی و اسرائیل اهمیت گسترده‌ای پیدا کرد. در این راستا تمایل محمد بن سلمان برای کمک به رئیس جمهور ایالات متحده برای پیشبرد ابتکار صلح ازجمله ارائه

مشوق‌هایی به اسرائیل با هدف بهبود روابط با عربستان کمک‌کننده بوده است. محمد بن سلمان با مخالفت ایدئولوژیک بسیاری از رهبران قبلی سعودی با اسرائیل موافق نبود و سفر نتانیاهو به عمان در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸ و دیدار با سلطان قابوس، سفر اسرائیل گاتز^۱ وزیر خارجه اسرائیل به امارات در ۲۰۱۸ و دیدار علنی با وزیر خارجه بحرین در ژوئیه ۲۰۱۹، با میانجی‌گری رییس جمهور ایالات متحده به بهبود روابط دیگر کشورهای حوزه خلیج فارس و اسرائیل کمک کرده است (Rynhold, 2019, 3).

۴-۴. تضعیف هویت‌های فراملی عربی اسلامی

تضعیف هویت‌های فراملی عربی - اسلامی و کاهش همزمان تأکید بر مسئله فلسطین، به عنوان چهارمین عاملی که اسرائیل و کشورهای عربی را به هم نزدیک‌تر ساخته مطرح است. در سال ۲۰۱۲ براساس نظرسنجی جوانان عرب^۲ که در ۱۶ کشور انجام شد، درگیری اسرائیل و فلسطین به عنوان سومین مانع بزرگ پیش روی خاورمیانه ارزیابی شد؛ اما در طول پنج سال آینده به طور مداوم از اهمیت آن کاسته شد؛ به طوری که در سال ۲۰۱۷ اهمیت آن کاهش یافت و به مقام هشتم رسید. براساس نظرسنجی پاییز ۲۰۱۸ نیز بیش از ۷۰ درصد از مردم عربستان سعودی، امارات، مصر و اردن از سیاستی حمایت کردند که برای دو طرف [اسرائیل و فلسطینی‌ها] مشوق-هایی در راستای تعدیل مواضع خود فراهم سازند. این تغییرات از نظر مشروعیت داخلی و امنیت رژیم‌های عربی، فضای بیشتری را برای کشورهای عربی ایجاد کرد تا برای توسعه روابط با اسرائیل گام بردارند (Rynhold, 2019, 4).

۴-۵. عادی‌سازی از طریق تسری سیاسی

زمانی که حوزه‌های مختلف سیاست‌گذاری، نه به دلیل ارتباط کارکردی و فنی، بلکه به دلیل سیاسی یا ایدئولوژیک به هم مرتبط می‌شوند، تسری سیاسی رخ می‌دهد (Malskyy, 2020). (210 در این نوع تسری، بازیگران ملی برای همکاری بیشتر، تلاش می‌کنند و در نتیجه انتقال وفاداری و گسترش همکاری آغاز می‌شود. تثبیت موقعیت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی در نتیجه پیروزی در جنگ ۱۹۷۳، پیروزی حزب لیکود در انتخابات ۱۹۷۷، بهبود نسبی در روابط با همسایگان، ایجاد مشارکت اقتصادی در کنار افزایش روند تولید و عرضه تجاری، پایه و اساس مهمی برای ثبات روابط رژیم صهیونیستی و کشورهای منطقه فراهم آورد. به این ترتیب شیوه‌ای توأم با اعتدال، واقع‌گرایی و انعطاف بیشتر در دیپلماسی این رژیم ظهور کرد و اولویت سیاست خارجی آن از استراتژی تهاجمی و تنش‌زا با همسایگان به سمت مذاکرات برای دستیابی به همکاری در زمینه‌های عادی‌سازی روابط با کشورهای همسایه و افزایش همکاری‌های منطقه‌ای

1. Yisrael Katz

2. Arab Youth Survey

و فرامنطقه‌ای گرایش پیدا کرد. در این راستا مصر اولین کشور عربی بود که به عادی‌سازی روابط خود با اسرائیل اقدام کرد؛ سپس سازمان آزادی‌بخش فلسطین و اسرائیل طی قراردادی در سال ۱۹۹۳ یکدیگر را به رسمیت شناختند. اردن نیز در سال ۱۹۹۴ به منظور عادی‌سازی روابط، پیمان صلحی را با اسرائیل منعقد کرد. در ادامه ملاقات‌هایی پیدا و پنهان میان برخی کشورهای عربی منطقه و اسرائیل صورت گرفت. بنابراین طی دهه ۱۹۷۰ و پس از مشخص شدن شکست قطعی اعراب در رویارویی و کنترل اسرائیل برخی از این کشورها با اتخاذ عمل‌گرایی و پذیرش واقعیت‌های میدانی به سمت تنش‌زدایی با تل‌آویو حرکت کردند و به تدریج نمودهای شکاف در جبهه عربی پدیدار شد و عادی‌سازی روابط مسیر انتخابی آنها بود (ارغوانی، ۱۴۰۱: ۱۰). در ادامه تلاش شده است به توافق‌نامه‌های عادی‌سازی روابط اسرائیل و برخی کشورهای عربی پرداخته شود.

مصر: همزمان با افزایش تمایل رژیم صهیونیستی برای تقویت روند صلح با اعراب و پس از جنگ اکتبر ۱۹۷۳ سرانجام در تاریخ ۲۶ مارس ۱۹۷۹ توافق کمپ دیوید بین سادات و مناحیم بگین به امضا رسید. این توافق هرچند باعث حل و فصل همه‌جانبه اختلافات اعراب و رژیم صهیونیستی نمی‌شد، مقدمات لازم برای گسترش روند صلح با دیگر همسایه‌های عربی را فراهم ساخت. طی قرارداد کمپ دیوید اسرائیل و مصر توافق کردند یک معاهده صلح طی مدت سه ماه امضا کنند و پس از خروج موقت اسرائیل از صحرای سینا، روابط عادی بین طرفین برقرار شود که شامل به رسمیت شناختن کامل و ایجاد روابط دیپلماتیک اقتصادی و فرهنگی می‌شد. مطابق توافق مذکور طرفین به مبادله سفرا (ماده یک)، انعقاد توافق فرهنگی (ماده سه)، رفت‌وآمد آزادانه افراد و وسایل نقلیه (ماده چهار)، روابط حسن همجواری و پرهیز از تبلیغات خصمانه (ماده پنج) مورد توافق طرفین قرار گرفت (Podeh, 2022, 63-65). مبنای حقوقی از سرگیری و گسترش روابط اقتصادی و تجاری میان طرفین ماده دوم پروتکل الحاقی به قرارداد صلح ۱۹۷۹ است. در ماده مزبور تصریح شده است طرفین در مدت زمانی که بیشتر از ۶ ماه پس از عقب‌نشینی مرحله‌ای نباشد با هدف انعقاد قرارداد تجاری و توسعه روابط اقتصادی دارای نفع متقابل وارد مذاکره شوند. شروع جدی و علنی تلاش‌ها برای گسترش روابط اقتصادی دوجانبه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و به طور مشخص از سال ۱۹۹۶ یعنی زمان پیشنهاد آمریکا به طرفین در انعقاد قرارداد مناطق صنعتی کیفی موسوم به کویز است. براساس گزارش وب سایت التوصل دو پروژه کویز و صادرات گاز مصر به رژیم صهیونیستی، نقطه عطفی در گسترش روابط اقتصادی طرفین در سال‌های اخیر بوده است.^۱

اردن: مدل عادی‌سازی غیررسمی و محرمانه در سطح دولتی مشخصه روابط بین اسرائیل و اردن تا زمان امضای معاهده صلح در ۲۶ اکتبر ۱۹۹۴ بود. برخلاف معاهده صلح مصر-اسرائیل

۱. www.Altawasol.Gov.is «مرو ۳۰ سنه علی زیاره الرئيس سادات لاسرائيل»، التوصل، وب سایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل به زبان عربی، نوامبر ۲۰۰۷

توافق بین اسرائیل و اردن نقطه اوج فرایندی بود که طی سالیان متمادی پیگیری می‌شد. مطابق ماده پنج این معاهده طرفین بر ایجاد روابط کاملاً دیپلماتیک و کنسولی و تبادل سفیران توافق، و از همکاری در بسیاری از زمینه‌ها مثل امنیت، اقتصاد، آب و... صحبت کردند. در این توافق طرفین تأکید می‌کنند که روابط عادی بین آنها بیشتر شامل روابط اقتصادی و فرهنگی باشد (Shamir, 2012, 91-96).

فلسطین: قبل از مذاکرات اسلو در ۱۹۹۲ که منجر به امضای توافق‌نامه به رسمیت شناختن متقابل در سپتامبر ۱۹۹۳ شد، رابطه محسوسی بین اسرائیل و فلسطینیان وجود نداشت. مجموعه‌ای از توافقات امضا شده توسط اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین و بعداً تشکیلات خودگردان در سال‌های ۱۹۹۳-۱۹۹۹ زمینه را برای عادی‌سازی آماده کرد. بیانیه موقت اصول تشکیلات خودگردان بین اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین^۱ منتشر شده در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ در زمینه همکاری در زمینه آب، برق، انرژی، حمل و نقل، تجارت، منابع انسانی، روابط کار، رفاه و... را فراهم ساخت. توافقنامه اقتصادی پاریس در سال ۱۹۹۴ توافقنامه موقت اسرائیل و فلسطین در مورد کرانه باختری و نوار غزه، اشاره گسترده‌ای به همکاری مورد انتظار بین اسرائیل و فلسطینی‌ها داشت. در ماده هشتم متمم ششم موافقتنامه موقت تأکید شده است که دو طرف باید در تقویت گفت‌وگو و روابط بین مردمان خود همکاری کنند و اقداماتی را برای تقویت مشارکت عمومی و رفع موانع تعامل و افزایش مبادله مردم با مردم انجام دهند. این توافقات زیرساختی برای ایجاد عادی‌سازی مشروع بین اسرائیل و تشکیلات خودگردان ایجاد کرد. نظرسنجی دانشگاه بیرزیت^۲ نشان داد که دیدارهای مکرر بین اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها و وابستگی سیاسی و اقتصادی فلسطین به اسرائیل، حمایت از عادی‌سازی را افزایش داده است (Mi'ari, 1999, 339-348). با وجود این، اسرائیل و تشکیلات خودگردان منافع مشترکی در ادامه همکاری امنیتی و اطلاعاتی علیه سازمان‌هایی داشتند که برای تضعیف توافقنامه اسلو حملات تروریستی را برنامه‌ریزی می‌کردند. علاوه بر این، از زمانی که حماس در سال ۲۰۰۷ نوار غزه را به تصرف خود درآورد، در تلاش است موقعیت خود را در مناطق تشکیلات خودگردان تقویت کند تا کنترل آنها را به دست آورد. هماهنگی امنیتی به طور مداوم و مستمر حتی در دوره‌های تنش و بحران بین اسرائیل و فلسطینی‌ها، مانند عملیات نظامی در نوار غزه، انجام می‌شد (Podeh, 2022, 68).

مراکش: اسرائیل و مراکش در سال ۱۹۹۵ روابط دیپلماتیک برقرار کردند؛ اما در پی انتفاضه فلسطین روابط به حالت غیررسمی بازگشت. مرگ شاه حسن دوم پادشاه مراکش در ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۹ فرصتی بود تا اسرائیلی‌ها به بهبود روابط مبادرت ورزند. در این راستا هیئتی متشکل از دویست نفر از سوی اسرائیل در مراسم تشییع وی شرکت کردند و یک هفته عزای عمومی در اسرائیل اعلام شد و تلویزیون اسرائیل چندین ویژه برنامه از شاه حسن دوم پخش کرد. با موافقت

1. Declaration of Principles on Interim Self-Government Arrangements between Israel and the PLO

2. Birzeit

دولت مراکش در ۳ می ۱۹۹۹ اتحادیه جهانی یهودیان مراکش با حضور دوازده نماینده به نمایندگی از دوازده کشور در شهر مراکش تأسیس شد و در مارس ۲۰۰۲ نیز مراکش از هیئت دیپلماتیک اسرائیلی به سرپرستی آبراهام بورگ^۱ رئیس کنست برای شرکت در نشست کنفرانس اتحادیه بین المجالس که برای تأکید بر عمق روابط طرفین صورت گرفت، دعوت کرد و در مه ۲۰۰۲ نیز یک هیئت مراکشی برای شرکت در کنفرانس اترناسیونالیست سوسیال در اسرائیل شرکت کرد. سفر شالوم کوهن^۲ مدیر کل وزارت خارجه اسرائیل به مراکش در سال‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۰۳ و سپس سفر سیلوان شالوم^۳ وزیر خارجه اسرائیل به مراکش در سال ۲۰۰۵ در مورد تمایل مراکش به احیای روابط صورت گرفت. قبل از سفر، وزیر خارجه اسرائیل به رادیو اسرائیل تأکید نموده بود که مراکش به بازگشت روابط با اسرائیل تصمیم گرفته است. بر همین اساس دیداری بین وزرای خارجه مراکش و اسرائیل در سفارت مراکش در لندن به دستور پادشاه محمد ششم انجام شد که بارزترین نتیجه آن افتتاح دفاتر ارتباط بین دو کشور در ۲۰۰۵ بود. در ژوئیه ۲۰۰۷ نیز تریسبی لویی وزیر خارجه اسرائیل با هیئتی مراکشی از جمله محمد بن عیسی وزیر خارجه مراکش دیدار داشت که در آن بر تمایل اسرائیل برای نقش‌آفرینی مراکش در چهارچوب اتحادیه عرب در جهت حل مناقشات طرفین تأکید شد. این توسعه روابط زمانی در مجامع بین‌المللی منعکس شد که مراکش در سازمان ملل به ریاست کمیته حقوقی اسرائیل رای داد (Shallal and Other, 2019. 2900-2904). نهایتاً اسرائیل در راستای سیاست گسترش و عادی‌سازی روابط خود با کشورهای عربی در ۳۲ دسامبر ۲۰۲۰ با میانجی‌گری آمریکا به توافق عادی‌سازی روابط با مراکش دست یافت. ایالات متحده به عنوان واسطه این توافق، پذیرفته است تا در ازای شناسایی اسرائیل از سوی مراکش، حاکمیت این پادشاهی بر صحرای غربی منطقه تحت نفوذ پولیساریو را به رسمیت بشناسد. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر اسرائیل، از توافق عادی‌سازی با مراکش به عنوان «نور بزرگ دیگر صلح» استقبال کرد. براساس این توافق، مراکش روابط دیپلماتیک کامل برقرار می‌کند و تماس‌های رسمی با اسرائیل و پروازهای هوایی را از سر می‌گیرد (Aljazeera, 2020, 1-3).

امارات: یکی از انگیزه‌های اصلی که امارات متحده عربی را به سمت انعقاد پیمان ابراهیم هدایت کرد، تلاش برای به دست آوردن منافع حاصل از موقعیت برجسته اسرائیل در زمینه‌های نظامی، اطلاعاتی و فناوری بود. برخی از همکاری‌های اماراتی و اسرائیلی شامل تضمین امنیت زیرساخت‌های امارات متحده عربی، مانند میادین نفت و گاز یا پروژه نظارتی چشم فالكون^۴ (۲۰۱۶) است. در عنوان توافقنامه عادی‌سازی اسرائیل و امارات در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ آمده

1. Abraham Borg

2. Shalom Cohen

3. Silvan Shalom

4. Falcon Eye

است: «توافقنامه صلح ابراهیم؛ پیمان صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل» این توافق شامل پیوستی بود که همکاری در تأمین مالی و سرمایه‌گذاری، هواپیمایی، تجارت و... را شامل می‌شد. در ماده ۵ توافق مذکور به همکاری در دیگر حوزه‌ها پرداخته شده است که مطابق آن بعد از مدت کوتاهی اسرائیل و امارات چهار توافق‌نامه عادی‌سازی را امضا کردند. یایر لاپید^۱، وزیر خارجه اسرائیل، برای نشان دادن تفاوت بین توافق امارات و توافقات با مصر و اردن در مراسم افتتاحیه سفارت اسرائیل در ابوظبی گفت: «این صلح بین مردم است» (Podeh, 2022, 70-72).

بحرین: اسرائیل و بحرین در ۱۸ اکتبر سال ۲۰۲۰ بیانیه مشترکی را بدون استفاده از کلمه عادی‌سازی در عنوان منتشر کردند که شامل بسیاری از زمینه‌های همکاری مدنی بود. این بیانیه به منظور رسمی کردن روابط دیپلماتیک و دیگر مسائل بین بحرین و اسرائیل اعلام شد و نهایتاً توافق مربوط به آن در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ با حضور دونالد ترامپ در کاخ سفید امضا شد. روابط اسرائیل و بحرین پس از توافق صلح چشمگیر است. برقراری روابط دیپلماتیک، امضای هفت توافق عادی‌سازی، افتتاح مسیر هوایی مستقیم، توافق همکاری امنیتی، به‌کارگیری مستشاران ارتش اسرائیل در بحرین برای اولین بار در جهان عرب و... در راستای توافق مذکور است (Podeh, 2022, 70-72).

سودان: در ۲۳ اکتبر ۲۰۲۰، ایالات متحده، سودان و اسرائیل بیانیه مشترکی را منتشر کردند که مطابق آن توافق عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و سودان و پایان وضعیت جنگی بین آنها حاصل شد از این پس روابط میان طرفین به صورت رسمی و دیپلماتیک ادامه می‌یابد. دونالد ترامپ در تاریخ ۳۱ دسامبر ۲۰۲۰ سودان را از فهرست کشورهای حامی تروریسم خارج کرد. همچنین طرفین برای ایجاد روابط اقتصادی و تجاری، عمدتاً در بخش کشاورزی، توافقاتی منعقد کردند و توافق شد که هیئت‌های دو طرف برای گفت‌وگو در مورد همکاری در زمینه فناوری، کشاورزی، هوانوردی، امور مهاجرت و... دیدار کنند (Singer, 2021, 459).

عربستان: از سال ۲۰۰۷ تا توافق مه ۲۰۰۸ دوحه درباره لبنان سیاست منطقه‌ای عربستان بر تعامل با ایران به جای همکاری استراتژیک با اسرائیل متمرکز بود. رابطه استراتژیک بین عربستان و اسرائیل طی دهه ۲۰۱۰ آغاز شد. بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ گزارش‌های موثق ادعا می‌کردند که عربستان به اسرائیل اجازه پرواز بر فراز آسمان خود برای حمله احتمالی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران را داده است و طرفین ارزیابی‌های اطلاعاتی در مورد ایران، حزب‌الله، حماس و سازمان‌های جهادی را رد و بدل کرده‌اند و در مورد قیام‌های عربی نیز خواهان حفظ رژیم‌های قدیمی بوده‌اند. در این راستا در ۲۰۱۳ تامیر پاردو^۲ رئیس موساد به صورت مخفیانه با شاهزاده بندر بن سلطان در لندن ملاقات کرد و پس از امضای توافقنامه هسته‌ای با ایران در

1. Yair Lapid
2. Tamir Pardo

نوامبر ۲۰۱۳ روابط طرفین از تبادل اطلاعات به گفت‌وگوی استراتژیک مستقیم عربستان و اسرائیل در مورد منطقه ارتقا یافت. در سال ۲۰۱۵ نیز مقامات اسرائیلی و عربستانی دولت ترامپ را تحت فشار قرار دادند تا معامله بزرگ با پوتین را دنبال کند که شامل تعهد روسیه به فشار بر ایرانی‌ها برای خروج از سوریه می‌شد. اسرائیل همچنین به جلوگیری از ارسال تسلیحات به حوثی‌ها در یمن کمک کرد که نتیجه این همکاری استراتژیک فروش تجهیزات نظارتی و امنیتی اسرائیل به سعودی‌ها است. طی سال ۲۰۱۶ نیز زمانی که نتانیاهو و اسحاق هرتزوگ رهبر حزب کارگر تلاش کردند یک دولت وحدت ملی برای پیشبرد روند صلح تشکیل دهند هرتزوگ به صورت مخفیانه به عربستان سفر کرد و از آن زمان عربستان با دولت ترامپ در زمینه روند صلح همکاری داشته است. در این راستا در سال ۲۰۱۸ عربستان در کنفرانس کاخ سفید درباره بحران انسانی غزه با نمایندگان دولت اسرائیل شرکت کرد. همچنین تغییری کیفی در نحوه ارتباط شخصیت‌های کلیدی در عربستان سعودی در زمینه مشروعیت دولت اسرائیل رخ داده است. در این راستا وزیر خارجه عربستان سعودی در کنفرانس صلح ژانویه ۲۰۱۷ در پاریس پس از گفت‌وگوهای مفصل با جان کری وزیر خارجه آمریکا حمایت کامل خود از اصول مطرح شده توسط وی که شامل به رسمیت شناختن اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی بود را ابراز کرد. در این زمینه محمد بن سلمان نیز در گزارشی اعلام کرد که اسرائیلی حق دارند سرزمین خود را داشته باشند (Rynhold, 2019, 4-6).

عمان - قطر: روابط عمان با اسرائیل برخلاف همسایگان خود در خلیج فارس از دهه ۱۹۷۰ آغاز شده است. روابط طرفین در طول سالیان متمادی با تداوم تلاش‌های مشترک در حوزه آب و حمایت نظامی اسرائیل از عمان مشخص شده است (Guzansky, 2018, 2). در فضای پس از توافق اسلو و در دسامبر ۱۹۹۴ عمان میزبان اسحاق رابین^۱ نخست وزیر اسرائیل طی اولین بازدید او از کشورهای خلیج فارس بود و برای اولین بار یک کشور عربی خلیج فارس از اسحاق رابین رئیس رژیم صهیونیستی استقبال کرد. هنگامی که رابین ترور شد عمان این اقدام را محکوم کرد و وزیر خارجه خود را برای شرکت در مراسم تشییع وی به اورشلیم فرستاد. در رابطه با عمان علی‌رغم فقدان روابط رسمی دیپلماتیک، طرفین در ژانویه ۱۹۹۶ پیرامون بازگشایی دفاتر تجاری به توافق رسیدند و چهار ماه بعد شیمون پرز^۲ جانشین اسحاق رابین به عنوان نخست وزیر اسرائیل برای افتتاح دفتر تجاری به عمان سفر کرد. وی پس از عمان به قطر سفر کرد و قرارداد اقتصادی دیگری امضا کرد که شامل افتتاح دفتر تجاری در دوحه می‌شد. این دفاتر تجاری در عمان و قطر توسط یک تیم کوچک متشکل از سه دیپلمات رهبری می‌شد و به گفته مقامات اسرائیلی عملاً مثل یک سفارتخانه بدون پرچم اسرائیل کار می‌کردند (Çatı, 2023, 563). بنابراین اقدامات

1. Yitzhak Rabin

2. Shimon Peres

محتاطانه برای تقویت روند عادی‌سازی متجلی شده است. این روند با سفر نتانیاهو به عمان در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۸ به اوج خود رسیده است. تبلیغات درباره سفر نتانیاهو به عمان و حضور رسمی هیئت جودوی اسرائیل در ابوظبی نشان‌دهنده تمایل برخی کشورهای منطقه برای افشای بیشتر روابط خود با اسرائیل در عرصه داخلی و اعلام آمادگی برای پیشبرد تدریجی عادی‌سازی هستند (Guzansky, 2018, 1).

۴-۶. همگرایی از طریق تسری کارکردی

از نظر هاس، تسری کارکردی نشانگر منطق حاکم بر پیشبرد همگرایی، و تأکید آن بر نخبگان سیاسی و اقتصادی است. مبنای ایجاد این نوع همگرایی نیاز است و در واقع این نوع تسری بر مبنای هدف‌های اولیه رخ می‌دهد (Malskyy and Others, 2020, 210). براین اساس مطابق ماده دوم پروتکل الحاقی به قرارداد صلح ۱۹۷۹ بین اسرائیل و مصر طرفین متعهد شدند در مدت زمانی که بیشتر از ۶ ماه پس از عقب‌نشینی مرحله‌ای نباشد با هدف انعقاد قرارداد تجاری و توسعه روابط اقتصادی دارای نفع متقابل وارد مذاکره شوند. شروع جدی و علنی تلاش‌ها برای گسترش روابط اقتصادی دوجانبه از نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و به طور مشخص از سال ۱۹۹۶ یعنی زمان پیشنهاد آمریکا به طرفین در انعقاد قرارداد مناطق صنعتی کیفی موسوم به کوییز^۱ است. بر اساس گزارش وب سایت التوصل دو پروژه کوییز و صادرات گاز مصر به رژیم صهیونیستی نقطه عطفی در گسترش روابط اقتصادی طرفین در سال‌های اخیر بوده است.^۲

توافق کوییز قرارداد اقتصادی سه‌جانبه میان مصر، رژیم صهیونیستی و آمریکا در سال ۲۰۰۴ است که بر اساس آن محصولات تولیدی در زمینه پوشاک و نساجی در قلمروی خاصی از سرزمین مصر در صورت برخورداری از ۱۱,۸ درصد عوامل تولیدی مناطق اشغالی می‌تواند بدون پرداخت عوارض گمرکی یا با پرداخت مبلغ ناچیزی وارد بازار مصرف آمریکا شود. تحت تأثیر قرارداد مزبور میزان واردات مصر از رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۵ حدود ۲۱,۷ درصد بیشتر از سال قبل بوده است. علاوه بر این طبق برآورد روزنامه هآرتس قرار بر این بوده است که تعداد شرکت‌های صهیونیستی فعال در مصر از ۱۲۰ شرکت در سال ۲۰۰۵ به ۱۵۰ شرکت در سال ۲۰۰۶ افزایش یابد. علاوه بر قرارداد کوییز قرارداد صدور گاز مصر به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۲ به تصویب رسید. محتوای این قرارداد کاملاً طبقه‌بندی و سری بوده است و حدس زده می‌شود از سال ۲۰۰۵ لازم الاجرا شده باشد. آنچه در رسانه‌ها مطرح شده آن است که مطابق این قرارداد روزانه ۱۶۰ میلیون متر مکعب گاز از مصر به رژیم صهیونیستی صادر خواهد شد. به این منظور صهیونیست‌ها خط لوله‌ای را از بندر شیخ زوید در شمال مصر تا بندر عسقلان در

1. qualifying industrial zones

۲. www.Altawasol.Gov.is

«مرو ۳۰ سنه علی زیاره رئیس سادات لاسرائیل»، التوصل، وب سایت رسمی وزارت خارجه اسرائیل به زبان عربی، نوامبر ۲۰۰۷

فلسطین اشغالی احداث کردند (تقریرالاتجاهاتالاقتصادیهالاستراتیجیه، ۲۰۰۶: ۷۵). بنابراین هر دو طرح کوئیز و یا همکاری‌های گازی در راستای عادی‌سازی روابط رژیم صهیونیستی با محیط پیرامونی عربی-اسلامی بوده است؛ به‌گونه‌ای که گسترش روابط اقتصادی میان مصر و رژیم صهیونیستی با گسترش تعاملات با دیگر طرف‌های منطقه مثل اردن و ترکیه و... همزمان شده است.

پس از انعقاد توافق عادی‌سازی بین رژیم صهیونیستی و مصر مرحله بعدی گفت‌وگوهای صلح خاورمیانه متوجه صهیونیست‌ها، فلسطینی‌ها و اردنی‌ها است که با شبکه‌ای از روابط اقتصادی ظریف و همبسته با یکدیگر پیوند داشته‌اند و هرگونه کوشش در جهت ایجاد صلح بین آنها به توجه دقیق و کارشناسانه به تعریف روابطی نیاز دارد که بر جریان کالا، نیروی انسانی و سرمایه بین مناطق اشغالی، اردن و فلسطین حاکم باشد. اردن و اسرائیل در نوامبر ۱۹۹۴ ضمن برقراری روابط رسمی دیپلماتیک سفرای خود را معین کردند و دولت اردن بلافاصله در صدد برآمد تا تحریم‌های اتخاذ شده علیه رژیم صهیونیستی شامل قانون منع معامله با اسرائیل (۱۹۵۸)، قانون منع فروش زمین و املاک به اسرائیلی‌ها (۱۹۷۲) و قانون منع تجارت با اسرائیل را لغو کند. تل‌آویو و امان پس از موافقت‌نامه صلح دو توافقنامه تجاری امضا کردند. توافقنامه اول در سال ۱۹۹۵ و توافقنامه دوم که به توافق تجارت مشترک بین اردن، آمریکا و رژیم صهیونیستی مشهور شد در سال ۱۹۹۷ میلادی به امضا رسید. این توافق که به توافق گیز مشهور شد مناطق مشخصی میان فلسطین اشغالی و اردن به منظور انجام همکاری‌های مشترک طرفین مشخص می‌کرد. در چهارچوب این توافق ۴۵ کارخانه در ۱۰ منطقه با سرمایه‌گذاری مشترک ساخته شده است. بر همین اساس حجم تجارت طرفین در سال ۲۰۰۰ میلادی ۵۶ درصد افزایش پیدا کرد و در سال ۲۰۰۲ به میزان ۱۰۰ میلیون دلار رسید. از این میزان ۶۹ میلیون دلار مربوط به صادرات رژیم صهیونیستی و ۳۱ میلیون دلار مربوط به صادرات اردن است (خادمی، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

علاوه بر اردن از دهه ۱۹۷۰ همزمان با جذب بیشتر فلسطینی‌ها در اقتصاد رژیم صهیونیستی فرصت‌های شغلی برای آنان در مناطق اشغالی نسبت به کرانه باختری و غزه افزایش جدی یافت. در ۱۹۸۷ حدود ۱۱۰ هزار کارگر نزدیک به یک سوم نیروی کار فلسطین در مناطق اشغالی کار می‌کردند. اقتصاد کرانه باختری و غزه در ۲۰ سال ابتدایی تأسیس رژیم صهیونیستی از لحاظ تجاری به طور فزاینده‌ای به صهیونیست‌ها وابسته شده است. در ۱۹۷۰ حدود ۴۶ درصد از کل صادرات غزه به رژیم صهیونیستی بود؛ در حالی که صادرات به اردن و از طریق آن به دیگر کشورهای عرب ۳۸ درصد صادرات کرانه باختری را شامل می‌شد. تا سال ۱۹۸۷ رژیم صهیونیستی به بازار اصلی صادرات کرانه باختری و غزه تبدیل شد و ۷۹ درصد صادرات آن را به خود جلب کرد در صورتی که سهم اردن و دیگر کشورهای عربی به کمتر از ۲۰ درصد کاهش یافت (روزن و کلاوسون، ۱۳۷۳: ۱۰۳). طبق نظرسنجی سال ۲۰۰۰، ۷۵ درصد فلسطینی‌ها از

پروژه‌های اقتصادی مشترک و ۸۵ درصد از جابه‌جایی آزادانه افراد و کالا در سراسر مرزها حمایت می‌کردند؛ بنابراین اسرائیل و فلسطینی‌ها به سمت عادی‌سازی عملکردی حرکت کرده‌اند (Podeh, 2022, 70).

از زمان انتشار بیانیه صلح بین مراکش و اسرائیل چندین اقدام عملکردی در جهت عادی‌سازی بین آنها نیز صورت گرفته است؛ سفر آلون اوشویز^۱ مدیرکل وزارت خارجه اسرائیل به مراکش در سال ۲۰۲۱، سفر یائیر لاپید^۲ وزیر خارجه اسرائیل و گشایش سفارت اسرائیل در مراکش، امضای توافقنامه در زمینه فرهنگی، ورزش و جوانان در اکتبر ۲۰۲۱ و امضای توافقنامه همکاری نظامی بین اسرائیل و مراکش در جریان سفر بنی گانتز^۳ وزیر دفاع اسرائیل به مراکش در نوامبر ۲۰۲۱ در این راستا است. پس از امضای توافق همکاری نظامی بین مراکش و اسرائیل همزمان با سفر گانتز به مراکش در نوامبر ۲۰۲۱ اسرائیل سیستم دفاع هوایی به مبلغ ۶۰۰ میلیون دلار در اختیار مراکش قرار داد (Dvori, 2022). برخلاف امارات و بحرین عادی‌سازی با مراکش بر پایه‌های اثبات قبلی در زمینه‌های امنیتی، اطلاعاتی و حوزه‌های مدنی استوار است. از دهه ۱۹۹۰ تعداد گردشگران اسرائیلی که از مراکش بازدید کرده‌اند سالانه بین ۲۵ هزار تا ۴۵ هزار نفر بوده است. علاوه بر این، تماس بین اسرائیلی‌های مغربی‌الاصل و جامعه یهودی باقی‌مانده در مراکش از طریق آندره آژولای^۴ مشاور یهودی پادشاه مراکش همواره وجود داشته است (Podeh, 2022, 72).

ماهیت گرم عادی‌سازی روابط بین اسرائیل، امارات، بحرین و مراکش در امضای «توافقنامه فرهنگ و ورزش برای صلح» بین چهار کشور در آوریل سال ۲۰۲۲ در دبى نشان داده شده است که این توافقنامه ناشی از شناخت کشورها از اهمیت برقراری روابط بین مردم از طریق فرهنگ و ورزش است (Benazizi, 2022).

روابط محتاطانه امارات متحده و اسرائیل در طول تأسیس آژانس بین‌المللی انرژی‌های تجدیدپذیر^۵ سازمان ملل متحد که هدف آن ترویج استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر در سراسر جهان بود، چرخش جدیدی پیدا کرد. طی آن اسرائیل در ژانویه ۲۰۰۹ به ابوظبی به عنوان مقر ایرنآ^۶ مشروط به افتتاح دفتر رسمی و قابل دسترسی برای عموم در امارات رأی داد. این آژانس در آوریل سال ۲۰۱۱ تأسیس شد و در اکتبر سال ۲۰۱۰ وزیر زیرساخت اسرائیل یوزی لاندو^۷ در چهارمین جلسه تأسیس کمیسیون مقدماتی که در پایتخت امارات برگزار شد، شرکت کرد و در نوامبر ۲۰۱۵ نمایندگی دیپلماتیک اسرائیل در امارات افتتاح شد. یکی دیگر از نمونه‌های

1. Alon Ushpiz

2. Yair Lapid

3. Benny Gantz

4. André Azoulay

5. International Renewable Energy Agency (IRENA)

6. IRENA

7. Uzi Landau

توسعه روابط غیررسمی و مخفیانه بین اعراب و اسرائیل انعقاد توافقی به ارزش ۸۱۶ میلیون دلار بین سازمان زیرساخت حیاتی ابوظبی و شرکت صهیونیستی ای. جی. تی اینترنشنال^۱ در ۲۰۰۸ است که شامل تهیه تجهیزات امنیتی با فناوری پیشرفته برای زیرساخت‌های حیاتی امارات متحده مثل میادین نفت و گاز است که نشان‌دهنده پیشرفت دیگری در روابط طرفین در حوزه کارکردی است (Çatı, 2023, 565).

بر اساس داده‌های صندوق بین‌المللی پول تجارت دوجانبه بین امارات و اسرائیل به طور قابل توجهی افزایش یافته است. پس از توافق سپتامبر ۲۰۲۰، صادرات اسرائیل به امارات از ۳۷۹ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به ۷۷۱ میلیون دلار در سال ۲۰۲۲ رسیده، و صادرات امارات متحده به اسرائیل نیز از ۶۷۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۱ به ۱/۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته است. در این راستا گردشگری بین طرفین نیز با وجود نزدیک به ۲۰۰ پرواز در هفته توسعه چشمگیری یافته است و از زمان انعقاد توافق عادی‌سازی تا سال ۲۰۲۳ بیش از یک میلیون اسرائیلی از امارات بازدید کرده‌اند (Çatı, 2023, 572).

مانورهای نظامی مشترک متعددی نیز بین کشورهای عربی منطقه در دوره پیش از توافق ابراهیم به عنوان مقدمه‌ای برای همکاری گسترده در دور بعدی صورت گرفته است. در این راستا رزمایش نیروی هوایی پرچم سرخ در سال ۲۰۱۶ در صحرای نوادا با حضور کشورهای امارات، پاکستان، آمریکا و رژیم صهیونیستی برگزار شد. مانور نظامی اینیوهوس^۲ نیز در مارس ۲۰۱۷ و آوریل ۲۰۱۹ با حضور نیروی هوایی امارات در یونان همراه با اسرائیل، آمریکا و ایتالیا انجام شد که علاوه بر مزایایی که برای آموزش دارند به عنوان شکلی از راهبردهای دیپلماتیک در نظر گرفته می‌شود (Çatı, 2023, 566). علاوه بر این اسرائیل در نوامبر ۲۰۲۱ نیز یک رزمایش دریایی مشترک با ایالات متحده، امارات و بحرین در دریای سرخ برگزار کرد (Kubovich, 2021a).

۴-۷. همگرایی از طریق تسری نهادهای فراملی

در این مرحله به تدریج، بازیگران فراملی، به عنوان واسطه میان بازیگران ملی عمل می‌کنند و در همان حال همگرایی سیاسی را پیش می‌برند. نهادهای فراملی به مثابه کارآفرینان سیاسی رفتار می‌کنند تا هدف‌های خود را تعقیب کنند. برای نمونه با وجودی که ایالات متحده، بیشتر نقش میانجی میان اسرائیل و کشورهای عربی را دارد؛ فراتر از آن به عنوان یک بازیگر سیاسی یا کارآفرین نیز حاضر می‌شود. نکته مهم در مورد تسری نهادی میان اسرائیل و کشورهای عربی، مشروط بودن آن است؛ به بیان دیگر، تداوم تلاش‌ها در مسیر همگرایی و عادی‌سازی وابسته به رضایت از موفقیت در برنامه‌های تعریف شده در تسری سیاسی است. در این راستا در آوریل

1. AGT International

2. Iniohos

۱۹۸۷ شاه حسین پادشاه اردن و شیمون پرز^۱ نخست وزیر اسرائیل در لندن قراردادی محرمانه امضا کردند که مطابق آن برای تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی و آغاز مذاکرات دیپلماتیک توافق شد (Podeh, 2022, 62). توافقنامه تجارت آزاد اسرائیل و امارات متحده نیز در مارس ۲۰۲۲ با هدف افزایش تجارت دوجانبه سالانه ۱۰ میلیارد دلاری بین طرفین منعقد شد. معاهده صلح، روابط دیپلماتیک و عادی‌سازی کامل امارات و اسرائیل در ۱۵ سپتامبر ۲۰۲۰ همچنین راه را برای ابتکارات امنیتی چندجانبه مثل نشست نقب^۲ و گروه ای ۲. یو ۳ باز کرد. نشست نقب در مارس ۲۰۲۲ بین وزرای خارجه اسرائیل، امارات، بحرین، مصر، مراکش و ایالات متحده با هدف ساخت معماری جدید منطقه‌ای برگزار شد. گروه ای ۲. یو ۲ نیز متشکل از اسرائیل، هند، امارات و ایالات متحده که سران کشورهای آنها برای اولین در ۱۴ ژوئیه ۲۰۲۲ تشکیل جلسه دادند. همانطور که در اولین بیانیه مشترک این گروه تأکید شد هدف آن همکاری در زمینه سرمایه گذاری‌های مشترک و ابتکارات جدید در آب، انرژی، حمل و نقل، فضا، سلامت و امنیت غذایی است (Çatı, 2023, 572).

در این راستا طرح صلح عربی که توسط عربستان سعودی در اجلاس سران اتحادیه عرب در بیروت در سال ۲۰۰۲ ارائه شد، پیشرفت بزرگ دیگری در زمینه عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسرائیل به شمار می‌رود. این ابتکار صلح در اجلاس سران اتحادیه عرب در سال ۲۰۰۷ به اتفاق آرا توسط همه کشورها تأیید شد. این ابتکار نشان‌دهنده انحراف از مواضع پیشین اعراب و اعلام آمادگی برای به رسمیت شناختن و عادی‌سازی روابط با اسرائیل به عنوان بخشی از یک صلح جامع تلقی می‌شود (Çatı, 2023, 567).

نتیجه‌گیری

با توجه به درگیری و اختلافات طولانی مدت میان اعراب و اسرائیل، برقراری روابط بین طرفین با انعقاد پیمان صلح کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل در سال ۱۹۷۹ به عنوان گامی مهم در آغاز و تسری عادی‌سازی روابط میان کشورهای عربی و اسرائیل محسوب می‌شود. پس از این رویداد مهم کشورهای عربی و اسرائیل گام‌به‌گام به برقراری روابط به صورت رسمی و محرمانه با اسرائیل اقدام کردند. پس از مصر، اردن در ۱۹۹۴، روابط خود را با اسرائیل علنی کرد؛ سپس مذاکرات محرمانه اسرائیل و سازمان آزادیبخش فلسطین در نروژ به اولین توافق صلح بین طرفین و پیمان شناسایی متقابل انجامید و در ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۳ اعلامیه اسلو در واشنگتن بین طرفین به امضا رسید. با وجود این روند عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسرائیل در سال ۲۰۲۰ با حمایت ایالات متحده ادامه پیدا کرد؛ به گونه‌ای که طی چند ماه امارات متحده،

1. Shimon Peres
2. Negev Summit
3. I2U2

بحرین، سودان و مراکش پس از چند دهه روابط محرمانه و غیررسمی، روابط خود با اسرائیل را آشکار و عادی‌سازی کردند و برخی دیگر از کشورها مثل عربستان سعودی که در ظاهر روابط رسمی با اسرائیل ندارند، روابط محرمانه و در حال توسعه با یکدیگر دارند.

روابط اعراب و اسرائیل در ذیل نظریه نوکارکردگرایی قابل تبیین و بررسی است. از منظر این رهیافت عدم کفایت دولت‌ها برای رفع مشکلات و مسائل خود باعث گسترش وفاداری و همگرایی با دیگر دولت‌ها و مراکز فراملی می‌شود؛ بنابراین دولت‌ها زمانی به همگرایی با دیگر دولت‌ها و مراکز فراملی اقدام می‌کنند که در سطح فراملی زمینه نیل به اهداف و مقاصد خود فراهم شود، موانع موجود بر سر راه دستیابی به منافع برداشته شود یا اینکه وجود یک دشمن مشترک یا یک آرمان مشترک انگیزه نیل به همگرایی در ورای دولت ملی را ایجاد کند. اگرچه روند همگرایی و عادی‌سازی روابط بین اسرائیل و کشورهای عربی همواره یکسان نبوده است و تحت تاثیر عوامل گوناگونی قرار گرفته است؛ اما بروز برخی وقایع مانند افزایش چشمگیر تهدیدات مشترک، ظهور گروه‌های سنی - سلفی مثل داعش و اخوان المسلمین، ظهور رهبران و تصمیم‌سازان جدید و تضعیف هویت‌های فراملی عربی - اسلامی طی دهه اخیر شرایطی را فراهم نموده است تا روند عادی‌سازی روابط و همگرایی بین طرفین با جدیت، سرعت و رسمیت بیشتری پیگیری شود. بر این اساس همگرایی میان اعراب و اسرائیل را در قالب سه فاز تسری کارکردی، سیاسی و مربوط به نهادهای فراملی بررسی کردیم. در زمینه تسری کارکردی، روابط در قالب انعقاد قرارداد مناطق صنعتی کیفی موسوم به کویز بین مصر و اسرائیل، قرارداد صدور گاز مصر به رژیم صهیونیستی در سال ۲۰۰۲، توافق گیز بین اردن و اسرائیل، توافقنامه همکاری نظامی بین اسرائیل و مراکش در نوامبر ۲۰۲۱، توافقنامه فرهنگ و ورزش برای صلح بین اسرائیل، امارات، بحرین و مراکش، مانورهای نظامی مشترک متعدد بین کشورهای عربی منطقه و اسرائیل و... مورد بررسی قرار گرفت. در رابطه با تسری سیاسی موافقت‌نامه‌های همکاری بررسی شد که به بهترین شکل در قالب توافق کمپ دیوید (۱۹۷۹)، معاهده صلح اسرائیل و اردن (۱۹۹۴)، مذاکرات اسلو (۱۹۹۲)، توافقنامه به رسمیت شناختن متقابل اسرائیل و ساف (۱۹۹۳)، برقراری روابط دیپلماتیک بین اسرائیل و مراکش (۱۹۹۵)، توافق بازگشایی دفاتر تجاری بین عمان، قطر و اسرائیل (۱۹۹۶)، توافق ابراهیم با هدف عادی‌سازی روابط کشورهای عربی و اسرائیل (۲۰۲۰) و... متبلور شده است. ازجمله مهم‌ترین مصادیق تسری نهادی نیز قرارداد تشکیل کنفرانس بین‌المللی و آغاز مذاکرات دیپلماتیک در لندن بین شاه حسین پادشاه اردن و شیمون پرز (۱۹۸۷)، توافقنامه تجارت آزاد اسرائیل و امارات متحده (۲۰۲۲)، نشست نقب و گروه ای ۲. یو ۲، طرح صلح عربی عربستان در اجلاس سران اتحادیه عرب در بیروت (۲۰۰۲) و... مورد بررسی قرار گرفت. بنابراین مطابق بررسی‌های صورت گرفته و با توجه به گستردگی درگیری‌ها و اختلافات ایدئولوژیک بین اعراب و اسرائیل طی دهه‌های اخیر، روابط میان طرفین از رشد مطلوبی

برخوردار بوده است و فرایند همگرایی میان اعراب و اسرائیل تحت تأثیر مفاهیم کلیدی نظریه نوکارکردگرایی از جمله منطق تسری، سیاسی‌شدن و برون‌گرایی ایجاد و تکامل یافته است.

کتابنامه

ارغوانی پیرسلامی، فریبرز و آرایش، حسن، (۱۴۰۱)، اعراب و انتخاب در شرایط موازنه تهدید؛ تهدید انگاری ایران و عادی‌سازی روابط با اسرائیل. *فصلنامه روابط خارجی*، ۱۴(۴): ۱-۳۶.

خادمی، بهرام، (۱۳۸۳)، جایگاه فرایند صلح خاورمیانه در روابط اردن و اسرائیل از سال ۱۹۹۰-۲۰۰۲، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه شهید بهشتی.

دشتی، فرزانه، ابراهیمی، ساجده، مکرمی‌پور، محمدباقر، و لایقی قرچی، سامیار، (۱۴۰۲)، بررسی روند عادی‌سازی روابط اعراب و اسرائیل (۲۰۱۱ - ۲۰۲۰)، *مطالعات سیاسی بین‌النهرین*، ۱۲(۱): ۷۹-۱۰۳.

دهقانی فیروزآبادی، سید جلال. (۱۳۸۳)، سیاست خارجی و امنیتی مشترک اروپا از منظر نوکارکردگرایی، *پژوهش حقوق عمومی*، ۶(۱۲): ۱۴۳-۱۶۵.

روزنه و کلاوسون، پ. (۱۳۷۳)، پیامدهای اقتصادی صلح برای اسرائیل، فلسطین و اردن، *مطالعات خاورمیانه*، ۱۱(۳): ۵۶۹-۵۷۹.

زیبایی، مختار، نصری، زنیره و رستمی، فرزاد، (۱۴۰۰). فرآیند عادی‌سازی مناسبات اعراب و اسرائیل؛ پیامدهای آن برای محیط امنیتی ایران. *مطالعات سیاسی جهان اسلام*، ۱۰(۳): ۳۱-۶۲.

ملکی، محمدرضا، و محمدزاده ابراهیمی، فرزاد، (۱۳۹۹). چشم‌انداز صلح خاورمیانه در سایه عادی‌سازی روابط اسرائیل و جهان عرب، *فصلنامه مطالعات بین‌المللی*، ۱۷(۳): ۴۵-۶۴. مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۱)، *تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل*، چاپ هفتم، تهران، سمت. نیکنامی، رکسانا، (۱۳۹۹)، سیاست همسایگی اروپا و تأثیر آن بر همگرایی اتحادیه اروپا و جمهوری مولداوی، *مطالعات اوراسیایی مرکزی*، ۱۳(۲۷): ۶۸۱-۷۰۸.

References

- Aljazeera. (2020). "Israel, Morocco Agree to Normalize Relations in US- brokered Deal", December 10, at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/12/10/israel-morocco-agree-to-normalise-relations> in-us-brokered
- Shlaim, A. (2014). *The Iron Wall: Israel and the Arab world*. New York: W. W. Norton and Company.
- Çatı, Mehmet Osman. (2023). *Three Years of Abraham Accords and Israel-UAE Relations*.

- Gadban, A. H., و Al-Thalab, H. S. A. (2022). A CRITICAL DISCOURSE ANALYSIS OF ISRAELI POLITICAL SPEECHES AFTER NORMALIZATION WITH ARAB COUNTRIES. *Journal of Tikrit University for Humanities*, 29(4), 27–44. <https://doi.org/10.25130/jtuh.29.4.2022.25>
- Muminov, N. (2023). Cooperation and conflict in Turkish–Israeli relations since the 1990s. *Israel Affairs*, 30(1), 25–39. <https://doi.org/10.1080/13537121.2024.2295604>
- Shakovskaya, M. A., Barnashov, O. V., Malakhovsky, A. K., و Danilov, V. A. (2023). *Turkish-Israeli Relations: Partnership. Problems. Perspectives*. Peoples' Friendship University of Russia (RUDN University).
- Shamir, S. (2012). Rise and fall of the warm peace with Jordan: Israeli statesmanship in the days of Hussein. Hakibbutz Hameuhad
- Belder, F., Muminov N. (2023). Analysing the role of Turkey in Israel's post-2011 regional vision through the lens of identity-security: challenger or bystander? *Anadolu Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 23 (2), 359-374.
- Podeh, Elie. (2022). The Many Faces of Normalization: Models of Arab-Israeli Relations. 25. 47-65.
- Podeh, E. (2022). From mistress to common-law wife: Israel's secret relations with countries and minorities in the Middle East, 1948-2020. *Am Oved*.
- Rynhold, J., و Yaari, M. (2019). The quiet revolution in Saudi-Israeli relations. *Mediterranean Politics*, 26(2), 260–268. <https://doi.org/10.1080/13629395.2019.1699267>
- Guzansky, Y., Michael, K., و Shalom, Z. (2018). The Prime Minister's Visit to Oman. Institute for National Security Studies. <http://www.jstor.org/stable/resrep19435>
- Singer, J. (2021). Introductory note to the Abraham Accords: Normalization agreements signed by Israel with the UEA, Bahrain, Sudan, and Morocco. *International Legal Material*, 60(3), 448-463. <https://doi.org/10.1017/ilm.2021.18>
- Shallal Abbas, F., Kamil Hamzah, M., و Abid Esmael, A. (2019). The Prospects for Normalization Between Morocco and Israel Under King Mohammed Vi. *Opción*, 35, 906-931. Retrieved from <https://produccioncientificaluz.org/index.php/opcion/article/view/30804>

- Itzhakov, D. (2019). Israel and Iran: Bilateral relations at a crossroads in a changing geopolitical environment. Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies.
- Malskyy, Markiyan, Nataliya Antonyuk, Marianna Gladyshevskaya and Oksana Krayevska (2020). "Regionalism and Spillover Effects: Case of Ukraine", in: Olga Bogdanova and Andrey Makarychev. *Baltic-Black Sea Regionalisms: Patchworks and Networks at Europe's Eastern Margins*. Switzerland: Springer. pp. 207-224.
- Mi'ari, M. (1999). Attitudes of Palestinians toward normalization with Israel. *Journal of Peace Studies*. 36(3). 339-348.
- Arghwani Pirsalami, Fariborz and Arash, Hassan. (1401). Arabs and choice in the conditions of threat balance; Threatening Iran and normalizing relations with Israel. *Foreign Relations Quarterly*, Volume 14, Number 4. pp. 1-36. (In Persian)
- Khademi, Bahram (1383). The position of the Middle East peace process in the relations between Jordan and Israel, Master's thesis, Shahid Beheshti University. (In Persian)
- Dashti, Farzaneh, Ebrahimi Qarabalag, Sajdeh, Makramipour, Mohammad Baqer, and Laighi Qarhi, Samyar. (1402). Investigating the process of normalization of Arab-Israeli relations (2011-2020). *Mesopotamian Political Studies*, Volume 2, Number 1. pp. 79-103. (In Persian)
- Dehghani Firouzabadi, Seyed Jalal. (1383). Common European foreign and security policy from the perspective of neo-functionalism, *Public Law Research*, Volume 6, Number 12, pp.43-165. (In Persian)
- Rosen, H. and Clawson, P. (2014). Economic Consequences of Peace for Israel, Palestine and Jordan, *Middle East Studies*, Volume 1, Number 3, pp. 569-579. (In Persian)
- Sabeti, Mukhtar, Nasri, Zanirah, and Rostami, Farzad. (1400). the process of normalizing Arab-Israeli relations; Its consequences for Iran's security environment. *Political Studies of the Islamic World*, Volume 10, Number 3, pp. 31-62. (In Persian)
- Maleki, Mohammadreza, and Mohammadzadeh Ebrahimi, Farzad. (2019). The prospect of peace in the Middle East in the shadow of the normalization of relations between Israel and the Arab world. *International Studies Quarterly*, Volume 17, Number 3. pp. 45-64. (In Persian)
- Moshirzadeh, Hamira. (2011), *Evolution in International Relations Theories*, 7th edition, Tehran, Samt. (In Persian)
- Niknami, Roxana (2019). European neighborhood policy and its impact on the convergence of the European Union and the Republic of Moldova, *Journal of Central Eurasian Studies*, Volume 3, Number 27, pp. 681-708 (In Persian)

- Aljazeera. (2020). "Israel, Morocco Agree to Normalize Relations in US- brokered Deal". December 10. at: <https://www.aljazeera.com/news/2020/12/10/israel-morocco-agree-to-normalise-relations> in-us-brokered
- Shlaim, A. (2014). *The Iron Wall: Israel and the Arab world*. New York: W. W. Norton and Company.
- Çatı, Mehmet Osman. (2023). *Three Years of Abraham Accords and Israel-UAE Relations*.
- Gadban, A. H., و Al-Thalab, H. S. A. (2022). A CRITICAL DISCOURSE ANALYSIS OF ISRAELI POLITICAL SPEECHES AFTER NORMALIZATION WITH ARAB COUNTRIES. *Journal of Tikrit University for Humanities*, 29(4), 27–44. <https://doi.org/10.25130/jtuh.29.4.2022.25>
- Muminov, N. (2023). Cooperation and conflict in Turkish–Israeli relations since the1990s. *Israel Affairs*, 30(1), 25–39. <https://doi.org/10.1080/13537121.2024.2295604>
- Shakovskaya, M. A., Barnashov, O. V., Malakhovsky, A. K., و Danilov, V. A. (2023). *Turkish-Israeli Relations: Partnership. Problems. Perspectives*. Peoples' Friendship University of Russia (RUDN University).
- Shamir, S. (2012). Rise and fall of the warm peace with Jordan: Israeli statesmanship in the days of Hussein. *Hakibbutz Hameuhad*
- Belder, F, Muminov N. (2023). Analysing the role of Turkey in Israel's post-2011 regional vision through the lens of identity-security: challenger or bystander? *Anadolu Üniversitesi Sosyal Bilimler Dergisi*, 23 (2), 359-374.
- Podeh, Elie. (2022). The Many Faces of Normalization: Models of Arab-Israeli Relations.25.47-65.
- Podeh, E. (2022). From mistress to common-law wife: Israel's secret relations with countries and minorities in the Middle East, 1948-2020. *Am Oved*.
- Rynhold, J., و Yaari, M. (2019). The quiet revolution in Saudi-Israeli relations. *Mediterranean Politics*, 26(2), 260–268. <https://doi.org/10.1080/13629395.2019.1699267>
- Guzansky, Y., Michael, K., و Shalom, Z. (2018). The Prime Minister's Visit to Oman. *Institute for National Security Studies*. <http://www.jstor.org/stable/resrep19435>

- Singer, J. (2021). Introductory note to the Abraham Accords: Normalization agreements signed by Israel with the UEA, Bahrain, Sudan, and Morocco. *International Legal Material*, 60(3) 448-63.
- Shallal Abbas, F., Kamil Hamzah, M., و Abid Esmael, A. (2019). The Prospects for Normalization Between Morocco and Israel Under King Mohammed Vi. *Opción*, 35, 906-931. Retrieved from <https://produccioncientificaluz.org/index.php/opcion/article/view/30804>
- Itzhakov, D. (2019). Israel and Iran: Bilateral relations at a crossroads in a changing geopolitical environment. Moshe Dayan Center for Middle Eastern and African Studies.
- Malskyy, Markiyana, Nataliya Antonyuk, Marianna Gladyshevskaya and Oksana Kravetska (2020). "Regionalism and Spillover Effects: Case of Ukraine", in: Olga Bogdanova and Andrey Makarychev, *Baltic-Black Sea Regionalisms: Patchworks and Networks at Europe's Eastern Margins*, Switzerland: Springer, pp. 207-224.
- Mi'ari, M. (1999). Attitudes of Palestinians toward normalization with Israel. *Journal of Peace Studies*, 36(3), 339-348.
- Dvori, N. (2020, February 13). Morocco: Huge deal for IAI following Gantz visit. N12. <https://bit.ly/35x0kSk>
- Dvori, N. (2020, February 13). Morocco: Huge deal for IAI following Gantz visit. N12. <https://bit.ly/35x0kSk>
- Benazizi, A. (2022, April 4). Morocco, Israel, Bahrain, UAE sign 'culture and sports for peace' agreement. Morocco World News. <https://tinyurl.com/yymmxtgps>
- Benazizi, A. (2022, April 4). Morocco, Israel, Bahrain, UAE sign 'culture and sports for peace' agreement. Morocco World News. <https://tinyurl.com/yymmxtgps>
- Kubovich, Y. (2021a, November 11). Israel conducting joint Red Sea maneuvers with Bahrain, UAE, and US. Haaretz. <https://bit.ly/3JNgXbv>
- Kubovich, Y. (2021a, November 11). Israel conducting joint Red Sea maneuvers with Bahrain, UAE, and US. Haaretz. <https://bit.ly/3JNgXbv>